



سیدعلی خرم استاد حقوق بین‌الملل

هنگامی که دونالد ترامپ با تصمیم ناخبردانه و خصومت‌آمیز خود تلاش کرد در توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ شکاف انداخته و گفت حاضر نیست پایبندی ایران به این توافق را اعلام کند، در فاصله چنددقیقه پس از آن، خانم موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت و رسماً اعلام کرد رئیس‌جمهور آمریکا در موقعیتی نیست که عدم پایبندی ایران به توافق هسته‌ای را ابراز دارد و توافق هسته‌ای یک توافق چندجانبه است که طرف‌های دیگری نظیر اتحادیه اروپا و کشورهای فرانسه، بریتانیا و آلمان را هم دارد که به این توافق وفادارند و برجام ادامه خواهد داشت. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم پایبندی ایران را گزارش کرده بود و به‌خاطر جلوگیری از تندروی رئیس‌جمهور آمریکا مجدداً آن را اعلام کرد. در فاصله یک ساعت پس از سخنان موگرینی، سران سه کشور اروپایی یادشده نیز در اعلامیه‌ی مشترکی حمایت خود را از برجام اعلام کردند و رسماً در صف مقابل دونالد ترامپ ایستادند. تصور می‌رود جمهوری اسلامی ایران ارزش این موضع سریع و به‌هنگام اروپا را درک می‌کند و می‌داند هیچ جناح دیگری قادر نبود چنین موضع قاطعی اتخاذ کند که کارساز باشد و از این جهت دونالد ترامپ موضوع توافق هسته‌ای را از اولویت دستور کار خود خارج و به کنگره واگذار کرد تا گذر زمان سرنوشت آن را تعیین کند. این موضع باارزش اتحادیه اروپا، نه از سوی روسیه، نه چین و نه هیچ کشور یا مجموعه‌ای از کشورها به مانند اتحادیه اروپا کارساز نیست و باعث نخواهد شد آمریکا آن را به حساب بیاورد. از آن گذشته هیچ‌کدام از کشورهای روسیه یا چین حاضر نشدند چنین اعلامیه رسمی‌ای را در فاصله یک ساعت پس از سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا صادر کنند.

جمهوری اسلامی ایران اکنون نه‌فقط در مقابل موضع تهاجمی آمریکا قرار دارد، بلکه عربستان و اسرائیل با اتحاد خود سعی دارند با یاریگیری در منطقه به مقابله با ایران بپردازند. صرف‌نظر از غیرمنطقی‌بودن چنین صف‌بندی‌ای در مقابل ایران، ولی کشورمان باید مطابق با واقعیت صحنه، برنامه‌ریزی کند و دوستان خود را مستحکم‌تر در کنار خود داشته باشد. بیشترین حجم این خصومت، تهاجم سیاسی- تبلیغاتی است که باید با همان ابزار پاسخ داد.

آیا موضع‌گیری اروپا در مورد برد موشک‌های ایران، نوعی از حمایت اروپا از آمریکا محسوب می‌شود؟ در حقیقت چنین نیست، زیرا اروپا برای خود موضوعی مستقل دارد که بعضاً نسبت به مواضع آمریکا دارای شدت و ضعف است. همان‌طور که گفته شد، اروپا در موضوع برجام در مقابل زیاده خواهی و سلطه‌طلبی دونالد ترامپ ایستاد و نقش سازنده خود را ایفا

اروپا را به سمت آمریکا هل ندهیم



عباس عراقچی

کرد، اما در موضوعات محیط زیست، خلع سلاح، توسعه موشکی، حقوق بشر و تروریسم دارای موضوعی است که بر اساس مصوبات اتحادیه اروپا و عملکرد این مجموعه کشورها بوده و به‌خاطر خوش‌آمدن یا بدآمدن آمریکا این مواضع را اعلام نمی‌کند. مشاهده شد اروپا متحداً در مقابل دونالد ترامپ ایستاد تا از کنواسیون حفظ محیط زیست پاریس دفاع کند. در موضوع خلع سلاح، قاره اروپا نزدیک به نیم‌قرن سایه وحشت سلاح‌های هسته‌ای و موشکی دو ابرقدرت آمریکا و شوروی را احساس کرده است و به‌عنوان یک موضع اصولی، افکار عمومی این قاره به سیاست‌مداران خود از طریق احزاب فشار می‌آورد تا نسبت به خلع سلاح هسته‌ای و عدم توسعه موشکی جدی و سختگیر باشند.

از سوی دیگر اروپا که در موضوع برجام مقابل آمریکا ایستاده، در مورد موضوع موشکی، بی‌تأمیل نیست که مواضع مشابه خود را به آمریکا نشان دهد تا حفظ توازن و حفظ روابط حاصل شود. در منطقه ما، علاوه‌بر ایران، عربستان، امارات، اسرائیل، ترکیه، پاکستان، هند، مصر و روسیه دارای موشک

کدام ساختمان، کدام مقاوم‌سازی؟

جمع‌آوری کمک از مردم، شهرت بالایی پیدا کرد.

همچنین زلزله قیروکارزین در سال ۵۱ زمانی که تازه دانشجوی دانشکده حقوق شده بودم و روزنامه‌ها وسعت این زلزله را کم از بوبین‌زهرآ نمی‌دانستند، با قدرت ۶٫۹ و جمعیتی بیش از چهار هزار نفر کشته، زلزله بوبین‌زهرآ و وسعت آن باعث شد مسئولان وزارت مسکن‌وشهرسازی وقت به فکر تدوین آیین‌نامه‌ای برای مقاوم‌سازی خانه‌ها در زمان صدور پروانه ساختمان بيفتند.

«آیین‌نامه ایمنی ساختمان‌ها در برابر زلزله» اولین مصوبه‌ای بود که برای مقاوم‌سازی ساختمان‌ها در دهه ۴۰ بعد از زلزله بوبین‌زهرآ به تصویب رسید. آیین‌نامه‌ای که در سال‌های بعد، به‌ویژه بعد از انقلاب در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ هم بر آن تاکید شد. هیئت دولت در تصویب نامه شماره ۱۱۹۱۳۸ رت ۹۶۹ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۷ تجدید نظر در آیین‌نامه طراحی ساختمان‌ها در برابر زلزله را بر عهده وزارت مسکن‌وشهرسازی (مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن) گذاشته است که هر پنج سال یک بار مورد بررسی مجدد قرار می‌گیرد. چند ویرایش در سال‌های گذشته در

آیین‌نامه صورت گرفته است که سرانجام به آیین‌نامه‌ای که معروف به «استاندارد ۲۸۰۰» است رسیده‌ایم؛ مجموعه‌ای که به گفته مسئولان «با تلاش‌های مستمر بیش از ۲۰ هزار نفر ساعت کار کارشناسی از سوی بیش از ۷۰ نفر از استادان دانشگاه‌ها، مهندسان صاحب‌نظر در این حرفه و پژوهشگران همکار در مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی در قالب کمیته‌ها و کارگروه‌های تحقیقی، تهیه و تدوین شده است».

اتچه در بالا آمد، حکایت پرغصه سلسله گزارش زلزله‌های بالای هفت درجه ریشتر و متعاقب آن

با برد متوسط یا بالا هستند که برخی این سلاح‌ها را خریداری کرده‌اند و در برخی دیگر خود تکنولوژی آن را گسترش داده‌اند، اما هیچ‌کدام به اندازه ایران مورد حساسیت جهانی نیستند، زیرا بقیه در سکوت کامل به کار خود مشغول هستند و به دنبال اعلام مقابله با هیچ کشور دیگری نیستند. اگر ایران هم در رایتنی با اروپا که هم‌اکنون مذاکرات مفصلی در جریان است، نگرانی‌ها و نیازهای امنیت ملی خود را مطرح و مذاکره کند، نیاز به ابراز موضعی نیست که موجب شود اروپا را با دست خود به سوی آمریکا و تدروهای این کشور و اسرائیل و عربستان سوق دهد. روسیه که خود ۵۰ سال تهدید بالقوه برای اروپا بوده، تلاش می‌کند از هرگونه تهدید مستقیم با غیرمستقیم اروپا خودداری کرده و اگر اروپا مورد تهدید واقع شود، برای اثبات مواضع خود و رفع اتهامات گذشته، بی‌شک در کنار اروپا می‌ایستد. به عبارت دیگر ایران ممکن است در موضوع موشکی، با شرایطی مواجه شود که همه کشورهای تأثیرگذار، اعم از غرب یا شرق در صف مقابل او بایستند که این خلاف امنیت ملی ایران خواهد بود.

تصمیم دولت‌های یکت به تصویب مقررات راجع به ساختمان‌سازی است که با تاسف با وجود گذشت بیش از نیم‌قرن از تدوین نخستین مقررات مربوط به ساختمان‌سازی و ایمن‌سازی آن، این مقررات از قوه به فعل درنیاآمده و صرفاً هزاران ساعت به‌اصطلاح «تلاش مستمر» کارشناسی از سوی صدها استاد و مهندس و کارشناس هزینه شده است، والا در بیش از ۵۰ سال که از عمر اولین آیین‌نامه مربوط به ساختمان و مقاوم‌سازی آن در مقابل زلزله می‌گذرد، کدام ساختمان مقاوم ساخته شده است که امروز بتوان در کنار آن عکس یادگاری گرفت؟ در همین تعداد زلزله‌ای که از زلزله بوبین‌زهرآ تا الان به وقوع پیوسته است، حداقل بیش از صد هزار نفر تلفات داشته‌ایم و هزاران میلیارد هزینه بازسازی شده، هرچند هنوز خرابی‌های زلزله بم، طیس و رودبار در این مناطق پیداست. پرسش این است مسئول این‌همه هزینه از جان و مال انسان‌ها و ویرانی اموال عمومی چه نهادی است؟ ایران روی گسل زلزله قرار دارد. بسیاری از شهرهای ایران در طول تاریخ بر اثر زلزله ویران شده‌اند و دوباره بر همان ویرانه‌ها ساخت‌وساز صورت گرفته است.

تا زمانی که قانون و مقررات مربوط به ساخت‌وساز و مقاوم‌سازی را نداشته‌یم، بر کسانی که مجوز ساخت‌وساز را صادر می‌کردند حرجی نبود، اما از دهه ۴۰ به‌بعد پاسخ‌گوی این‌همه ویرانی و خسارت جانی کیست؟ نمونه انبوه ساخت‌وساز در این ۵۰ سال برمی‌گردد به ساخت‌وساز تعاونی‌های مسکن و این اواخر ساخت‌وساز معروف به مسکن مهر. اگر مقررات الزام‌آور استاندارد ۲۸۰۰ در این سال‌ها رعایت می‌شد، امروزه ما میزان خسارت جانی و مالی را شاهد نبودیم. پدران ما در گذشته تاریخی کشورمان با شناختی که از زلزله و ویرانی ناشی از آن داشتند، در مقاوم‌سازی بناها مطابق با مصالح آن زمان همه جوانب را رعایت می‌کردند.

کافی است به بنای مسجد گوهرشاد که از سوی معمار معروف عصر شاهرخ تیموری، خواجه قوام‌الدین شیرازی، ساخته شده است توجه کنید؛ ابزاری در بنا به کار رفته است که اجازه می‌دهد بنا در مقابل لرزه‌های زمین از خود مقاومت نشان دهد یا بناهایی که در دوره صوبوره در قزوین و اصفهان و تبریز ساخته شده‌اند که زلزله‌های با قدرت بالا را تاب آورده‌اند. اگر همین مقررات ساده در آیین‌نامه مورد بحث در زمان صدور پروانه ساختمانی لحاظ می‌شد، آیا مسکن‌های مهر این‌گونه آسیب می‌دیدند؟ در آخرین لحظات تنظیم این کارشناسی صورت بگیرد و متنی در کتاب قانون گنجانده شود، اما این متن در عمل اجرا نشود و شاهد اشک و آه افرادی باشیم که پیش چشم آنان عزیزانشان کشته شده و اموالشان زیر آوار بی‌مسئولیتی‌ها مدفون می‌شود؟

سیاست

ادامه از صفحه ۱۰

تئاتر خاورمیانه بدون ایران؟

نخست اینکه روس‌ها از زمان تزارها همواره در پی یافتن راهی برای رسیدن به دریای مدیترانه از مسیر ایران بوده‌اند و هنوز هم بر آن اصرار می‌ورزند. این‌دالان از جنوب دریای خزر آغاز و به شامات - سوریه و لبنان کنونی - می‌رسد. غربی‌ها، به‌ویژه آمریکا و انگلیس به دلیل رقابت سیاسی و اقتصادی همواره سد راه روس‌ها بوده‌اند. بزرگراه سنتو در خراسان هنوز بازمانده مقاومت آمریکا و غرب برای جلوگیری از حضور فعال شوروی در این مسیر است.

جزایر امیرنشین خلیج‌فارس در همه طول تاریخ رقیب و دشمن یکدیگر و میهماندار کشتی‌های تجاری و جنگی غربی‌ها بوده‌اند. امارات متحده عربی را ابتدا انگلستان و سپس آمریکا به وجود آوردند که ایستگاه خدماتی آنها در حرکت اقتصاد غرب باشد.

بازسازی امیرنشین‌ها با بالاترین استانداردهای غربی صورت گرفته تا برای سکونت تجار و متخصصان غربی محیطی دلپذیر باشد. مردم فقیر منطقه که در این امارات زندگی می‌کنند شباهت زیادی به بردگان قدیمی دارند و به بیغوله‌هایی ساکنند که کیفیت زیست‌محیطی آنها به هیچ‌وجه قابل مقایسه با کیفیت برج‌های مرتفع بالای سرشان نیست. ایران هم اتصاد امارات را (که ساخته غرب است) به رسمیت شناخته اما از اغتشاش‌هایی که آنها به راه می‌اندازند رنج می‌برد.

این اغتشاش‌ها بخشی از نمایشی است که در آغاز این نوشته به آن اشاره شد. اما ما در ایران، دچار یک سردرگمی هستیم که گیجی حاصل از آن، همان ایده‌آل قدرت‌های جهانی است: رجال ما به جان یکدیگر افتاده‌اند. پشت پرده نمایش را نمی‌بیند و فقط متوجه ادا و اطوار و حرکات بازیکنان محلی تئاتر خاورمیانه شده‌اند. این سردرگمی برای قدرت‌های جهانی یک وضع ایده‌آل به وجود می‌آورد که بتوانند از اغتشاش ایجادشده در جو سیاسی داخلی به سود خود بهره بگیرند. تکرار می‌کنم: ایرانیان باید بر معادلات جهانی و عملکرد اقتصاد منطقه خاورمیانه اشرف کامل داشته باشند. در غیراین‌صورت، قربانی بازی‌های بین‌المللی می‌شوند.

ایران وروسیه درسوریه‌پساجنگ

پوتین به‌خوبی از تقابل ترکیه در برابر حزب کارگر کردستان آگاه بوده، اما نمی‌تواند روابط با گروه‌های کردی را رها کند و این مسئله کم‌اکنان به‌عنوان یک مشکل در روابط میان مسکو و آنکارا باقی خواهد ماند. این تنها نقطه بحرانی سیاست روسیه در آینده سوریه نیست. نسکو نمی‌تواند انتظار ایران برای مدنظر قرارگرفتن برخی از ملاحظات در مسائل آتی سوریه با توجه به هزینه‌های متحمل‌شده را از نظر دور داشته باشد.

برای روسیه ایجاد اعتماد برای حفظ این دو قدرت منطقه‌ای در اولویت پساجحان سوریه قرار دارد. با وجود نقش مهم در روند مذاکرات سوریه، منابع و توانایی‌های مسکو به‌وضوح برای نکه‌داشتن سوریه کافی نیست. روسیه نیاز به یک شریک دیگر در سوریه دارد که قادر باشد تسهیلات برای بازسازی در دوره پس از جنگ را تضمین کند و این شریک باید مایل به حرکت مالی در مسیر مسکو باشد. مشکل بزرگ‌تر این است که روسیه زمان زیادی برای انجام این کار ندارد.

دولت اسد می‌تواند حتی به مخالفان استراتژی روسیه (آمریکا) متوسل شود، زیرا در پی تقویت پیروزی خود است و حتی ممکن است مسکو را برای تحمیل اهداف خود به تکاپو بیندازد.

نگاه

از مبارزه با امپریالیسم تا سیاست‌گریزی امروز



مراد کاویانی‌راد هیئت علمی دانشگاه خوارزمی

۱۶ آذر در ذهن من که ورودی نیمه نخست دهه ۷۰ به دانشگاه هستم، یادآور روزهایی است که تشک‌های دانشجویی وسط محوطه دانشگاه تجمع می‌کردند و به بهانه سالروز این واقعه، هم به نقد کارکرد دولت وقت می‌پرداختند و هم به کسانی که سودای روابط با آمریکا را داشتند می‌تاختند. به اولی به خاطر دوری از آرمان‌های انقلاب در حمایت از محرومان، مستضعفان و پابرهنگان و دومی را به دلیل سازشکاری با شیطان بزرگ و استکبار جهانی، مرگ می‌فرستاد. سن و تجربه ما کمتر از آتی بود که بدانیم این شعارها را کجا آمده‌اند؟ جریان‌هایی که به انجمن‌های اسلامی دانشجویان از جهت فکری خط می‌دادند چه ماهیتی دارند؟ آیا بین این آرمان‌ها و آرمان‌های نخستین کسانی که دانشگاه را کانون مبارزه با امپریالیسم آمریکا در ماه‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد قرار داده بودند پیوندی وجود دارد؟ ۱۶ آذر در تاریخ جنبش دانشجویی ایران یادآور شهادت سه نفر از دانشجویان دانشگاه تهران به نام‌های آذر(مهدی) شریعت‌رضوی، هوادار جبهه ملی ایران، مصطفی بزرگ‌نیا و احمد قندچی، هوادار حزب توده ایران است. این در زمان تشکیل جبهه مشترک حزب توده و جبهه ملی ایران کودتای ۲۸ مرداد و برآمن دولت کودتا بود. در این دوره حزب توده نفوذ گسترده‌ای میان دانشجویان داشت. به گفته رئیس وقت دانشگاه تهران به سفیر انگلیس، اکثر چهار هزار دانشجوی این دانشگاه به‌شدت تحت‌تأثیر حزب توده بودند. از بنیادی‌ترین اهداف و برنامه‌های حزب توده در ایران «دفاع از برکتشکان و متشکل‌کردن آنها» بود. با وجود برخورد خشن پهلوی دوم از جریان‌های چپ، سیری در ادبیات روشنفکری پیش از انقلاب دست‌کم تا سال ۱۳۵۵ چپ‌گی اندیشه و آرمان سوسیالیستی-مارکسیستی بر دانشگاه‌ها و دیگر کانون‌های اندیشه‌ورزی را به‌خوبی می‌نمایاند. برای نمونه گفتمان غالب جنبش دانشجویی این دوره، نمودی عدالت‌طلبانه، فقرستیزانه، ضداستعماری، ضدامپریالیستی و ضدسرمایه‌داری دارد. با پیروزی انقلاب که عمدتاً محصول حضور طبقات فرودست و طبقه متوسط به‌شمار می‌رفت و در پی کوشش‌هایی که به حذف حزب توده انجامید، شعارهای آنها این‌بار با رنگ‌و‌عالب انقلابی و اسلامی در کانون توجه پیشگامان انقلاب و تشک‌های اسلامی دانشجویی قرار گرفت. با این تفاوت که در حوزه سیاست داخلی تاکید بر عدالت و در سیاست خارجی رویارویی با استکبار جهانی (همان امپریالیسم پیشین) و در رأس آن به رهبری آمریکای (این‌بار جهان‌خوار) هسته مطالبات جنبش دانشجویی در پیروی از امام خمینی (دانشجویان پیرو خط امام) قرار گرفت. در این میان، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت) تا اوایل دهه۱۳۷۰ برچمدار مطالبات جنبش دانشجویی به‌شمار می‌رفت. در آغازین سال‌های پس از اشغال سفارت (لانه جاسوسی)، دفتر تحکیم با بهره‌گیری از منزلت و اعتبار برخاسته از اشغال سفارت (لانه جاسوسی)، در نهادهای انقلابی نفوذ گسترده‌ای یافت و کوشید توان خود را مصروف پاسداشت انقلاب اسلامی، توسعه ایران اسلامی و رفع عقب‌ماندگی‌های ایران کند. در دهه ۷۰ رخدادهایی در مقیاس داخلی و جهانی سر برآوردند که بسیاری از انگاره‌های پیشین را به چالش کشیدند. رویدادهایی مانند فروپاشی شوروی، چپ‌گی گفتمان لیبرال‌دموکراسی و جهان تک‌قطبی در مناسبات جهانی، ناکارآمدی و سرنگونی نظام‌های استبدادی سوسیالیستی، گسترش فساد تدریجی و عدم برخورد جدی و ریشه‌ای با فساد و با مفسدان، حرکت ناکام دولت وقت به سمت بازار آزاد، چپ‌گی رویکرد روشنفکری دینی منتقد در دانشگاه‌ها و فاصله‌گرفتن از فضای انقلابی آغاز دهه ۶۰ به بازنگری در مطالبات و نقد دست‌کم بخشی از قوا از سوی جریان سیاسی غالب دانشجویی (دفتر تحکیم وحدت) انجامید، یگانه‌ای که نسل جدید انجمن‌های اسلامی در مقام نقد و تبری اسلاف خود از اشغال لانه جاسوسی برآمدند. چهره‌های سیاسی انقلابی که در سال‌های آغازین انقلاب از ارکان دولت به هر دلیلی کنار نهاده بودند، دوباره در کانون توجه دانشگاه‌های اسلامی قرار گرفتند. مجموعه شرایط یادشده در نهایت در قالب دوران اصلاحات و دوم خرداد ۱۳۷۶ و پیروزی محمد خاتمی سر برآورد. از این پس، جنبش دانشجویی در انجمن اسلامی دانشجویان دیگر نه در جایگاه نقاد قدرت، بلکه به‌عنوان یکی از تشک‌های عمده اصلاح‌طلبان فعال در مناسبات قدرت قرار گرفت. موقعیت جدید این تشکل، بازدارنده نقش نقادانه آن شد، به‌گونه‌ای که گاه در مقام توجیه‌گر نارسایی‌ها برمی‌آمد، هرچند الزاماً همه افراد فعال در مجموعه دانشجویی موفقیت پیوستن انجمن‌های اسلامی به قدرت نبودند. ناکامی جریان اصلاح‌طلبی در رسیدن به جامعه مدنی و قانون‌مدار، آزادی بیان و توجه ویژه به نیازها و جوانان به‌واسطه آماده‌نبودن زیرساخت‌ها و مقاومت در برابر موج جدید مطالبات از یو سک به افول اقبال جامعه از اصلاح‌طلبان انجامید و از سوی دیگر برخورد با جریان دانشجویی در شکل بازداشت فعالان و حمله به تجمع‌های انضباطی و امنیتی برون‌دانشگاهی و… جنبش دانشجویی را به‌رکود کشنده است و اندک امیدی نیز که با پیروزی حسن روحانی پدید آمد، دست‌کم در دور دوم دولت ایشان، به‌ویژه در جریان انتخاب وزیر علوم رو به افول نهاده است. از دیگر سو، فناوری‌های جدید، به‌ویژه تلگرام که تا ساعت‌ها در طول روز دانشجویان را به خود مشغول می‌دارد، طرح بسیاری از مطالبات محدود‌شده را از فضای حقیقی به فضای مجازی کشانده است. واکاوی کنش‌های جدید دانشجویان و تشک‌های دانشجویی نشان می‌دهد که هیچ تشکل دانشجویی امروز دیگر نماینده مطالبات اکثریت دانشجویی نیست و دانشجویان کمتر حاضر هستند به این تشکل‌ها بپیوندند. جهت‌گیری سیاسی دانشجویان کمتر با نقد عالمانه و ایدئولوژیک همراه است و در کلیت خود بی‌تفاوتی نسبت به تحولات کشور را در پی داشته است و طبیعتاً این بی‌تفاوتی با آرمان‌های انقلاب ناسازگار خواهد بود و در آینده هزینه‌های کلانی را در پی خواهد داشت.